

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

اصول معتقدات و مقصد و مرام بهائیان

بهائیان به خدای یگانه که غیب منیع لایدرک است معتقدند و به سوی او دعا و مناجات می‌کنند و نماز می‌گزارند، به حیات بعد از ممات و بقای روح و مجازات و مکافات اخروی اعتقاد دارند و زندگی انسان را محصور در تنگنای این عالم خاکی نمی‌دانند. به لزوم دین و احتیاج عالم بشری به مربی حقیقی آسمانی معتقدند و اساس جمیع ادیان الهی و حقیقت مظاهر مقدسه را واحد می‌دانند، معتقدند که دین باید مطابق علم و عقل باشد و همچنین دیانت باید سبب الفت و محبت بین نوع بشر باشد نه کینه و عداوت بهائیان به وحدت عالم انسانی معتقدند و همه افراد بشر را بدون توجه به جنس و نژاد و مذهب و ملیت بندگان خداوند یگانه می‌دانند و معتقدند همه افراد بشر باید از لحاظ فردی و اجتماعی و انسانی متساوی الحقوق باشند. با توجه به این حقیقت بهائیان همه تعصبات اعم از تعصبات مذهبی یا ملی یا نژادی یا سیاسی و یا اقتصادی را مذموم و مردود می‌دانند و به تساوی حقوق زن و مرد معتقدند. فقر مفرط و ثروت مفرط در دیانت بهائی مذموم است و به عدالت اقتصادی در روابط بین افراد و طبقات و ملت‌ها معتقد است و تعدیل معیشت عمومی و حل مشکلات اقتصادی به اقتضای هر زمان از جمله تعالیم اساسیه دیانت بهائی است. بهائیان به تعلیم و تربیت عمومی و اجباری معتقدند و طبق تعالیم حضرت بهاءالله تمام ابناء عالم بدون توجه به مذهب و ملیت و جنس و نژاد باید تحت تعلیم و تربیت قرار گیرند و وحدت اصول تربیت هم از جمله تعالیم مهمه دیانت بهائی است تا همه اطفال عالم تحت یک اصول و سیستم تربیتی واحد که جنبه معنوی و انسانی و عمومی واجد اهمیت است تربیت شوند و در نتیجه وحدت وجدان بین افراد بشر حاصل شود. بهائیان به یک حکومت متحده جهانی که با توجه به حفظ حقوق ملت‌ها منافع و مصالح عموم اقوال و ملل عالم را در نظر گیرد و دارای قوای مقتدره مقننه، مجریه و قضائیه بین‌المللی باشد و صلح عمومی و دائمی را تضمین و تامین نماید اعتقاد دارند و حل مشکلات لاینحل اجتماعی – سیاسی و اقتصادی جهان کنونی را منوط و موقوف به تاسیس حکومت جهانی با شرکت عموم دول و ملل عالم با قبول حقوق مساوی آنها می‌دانند. بهائیان اختراع و یا انتخاب یک خط و زبان بین‌المللی و تعلیم آن در مدارس عالم و همچنین وحدت پول و اوزان و مقادیر و مقیاسها و یک سیستم اقتصاد بین‌المللی را از لوازم ضروریه وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و اتحاد نوع بشر می‌دانند و وصول به مرحله وحدت عالم انسانی و اتحاد من علی الارض را بدون توجه به این اصول و احکام غیر ممکن می‌شمارند. بهائیان به مساوات حقوق زن و مرد و بالاخره به تحری حقیقت و ترک تقلید در جمیع امور و مسائل و حقایق معتقدند.

بهائیان علاوه بر اصول عمومی و روحانی و تعالیم اجتماعی که فوقاً مذکور شد از لحاظ فردی به فرائض عبادتیه و به رعایت سنن و شئون اخلاقی و معنوی مانند صداقت و امانت، تقوی و پرهیزکاری، عفت و عصمت، نظافت و طهارت، صفا و وفا، ادب و اخلاق، بخشش و عطاء کمک و خدمت به هم‌نوع و اجتناب از اعمال زشت و ناپسند سخت پای بندند و معتقدند بهائی باید به عمل و اخلاق بهائی باشد" بهائی را به صفت شناسند نه به اسم و به خلق پی برند نه به جسم" بهائیان علاوه بر آنکه به وحدت اساس ادیان الهی و وحدت مظاهر مقدسه معتقدند و معترف به حقانیت کلیه مظاهر الهی و انبیای آسمانی هستند برای شریعت مقدس اسلام و پیغمبر اکرم (ص) احترام و اهمیت خاص قائلند و ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین را هادیان سبیل و حاملان امانت الهی و واقفین بر اسرار قرآنی می‌دانند. بهائیان در هر مملکتی ساکن باشند برحسب فریضه دیانتی خویش موظف به خدمت صادقانه به مملکت و هموطنان خود و اطاعت از حکومت وقت هستند و در عمران و آبادانی کشور خود سعی و مجاهدند ولیکن از مداخله در امور سیاسیه و عضویت در احزاب سیاسی به کلی ممنوع و معذورند بهائیان جهان و بالاخص بهائیان ایران تعلق خاطر خاص به کشور مقدس ایران دارند و به دیده تکریم و احترام به این سرزمین مقدس که موطن حضرت باب اعظم مبشر و حضرت بهاءالله شارع دیانت بهائی و محل ظهور و تاسیس این شریعت آسمانی و مدفن هزاران شهید فی سبیل الله می‌نگرند و معتقدند که در آینده حکومت ایران محترم‌ترین حکومت عالم خواهد شد و ایران معمورترین کشورهای جهان خواهد گردید.

تعدیات و مظالم وارده بر جامعه بهائی

در مدت ۱۳۷ سال که از آغاز تاسیس دیانت بهائی در کشور مقدس ایران می‌گذرد هر وقت که در این مملکت تحولات سیاسی و اجتماعی بوحود آمده توطئه‌ای جدید بر علیه این اقلیت دینی ترتیب داده شده و حقوق آنان به نحوی تضییع گردیده است. به اقتضای زمان با اعمال اغراض دنیوییه گاهی آنان را عامل سیاست روس و گهی ساخته و پرداخته سیاست انگلستان دانسته‌اند و در کتب ردییه بدون آنکه فرصت دفاع و جوابگویی به این جامعه مظلوم داده شود اتهامات و افتراءات فراوان وارد ساخته‌اند و حتی برای وصول به اهداف مغرضانه خود تهمت مخالفت با دین مبین اسلام و یا عدم تقید به قیود اخلاقی و عدم اعتناء به اصول پاکی و عفت و عصمت زده‌اند و اخیراً نیز به اقتضای مسائل روز تهمت ارتباط با صهیونیسم و امپریالیسم را به اتهامات سابقه اضافه نموده‌اند.

در مدت سلطنت سلاطین قاجار هزاران نفر از بهائیان در نقاط مختلفه ایران به رتبه شهادت نائل شدند و جان و مال و خانواده آنان معرض حمله و هجوم و تعدی و تجاوز قرار گرفت و شارع دیانت بهائی به حبس و زجر و تبعید و ترک وطن مالوف محکوم و مجبور گردید.

در اوائل حکومت رضا شاه کلیه مدارس و مکاتیب بهائی در سراسر کشور ایران تعطیل و از لحاظ انجام تشریفات ازدواج و طلاق و اجرای مراسم مذهبی و همچنین از نظر استخدام در دوائر دولتی و حقوق فردی و اجتماعی تضییقات و مشکلات مکرر برای این جامعه به وجود آمد.

در زمان حکومت شاه سابق و در رمضان سال ۱۳۳۴ شمسی حمله و هجومی جدید و شدید علیه این جامعه با پخش سخنرانی‌های یکی از واعظ از رادیو طهران آغاز شد و منجر به قتل و غارت و ضرب و جرح و اجبار به ترک عقیده و آتش زدن اموال و مزارع و احشام بهائیان و تصرف اماکن مذهبی و تاریخی آنان در سراسر ایران گردید.

در تمام مدت حکومت شاه سابق به خصوص در سالهای اخیر آن انواع ظلم و ستم و محدودیت بر جامعه بهائی وارد شد اخراج افراد بهائی از دوائر دولتی و عدم استخدام آنان، ایجاد مشکلات برای جامعه بهائی از لحاظ انجام مراسم دینی و تشریفات مربوط به ازدواج و طلاق و دفن اموات و تشکیل اجتماعات مذهبی، عدم امکان رعایت تعطیلات دینی و حفظ اماکن متبرکه و تاریخی، انکار وجود جامعه بهائی ایران در مراجع و مجامع بین‌المللی، حمله و هجوم به بهائیان در نقاط مختلفه کشور به نحو مکرر و بالاخره سلب حقوق فردی و اجتماعی از افراد این جامعه و معاف شدن افراد متعددی و تجاوز از مجازات‌های قانونی و عدم اعتناء به تظلمات افراد بهائی از جمله مظالم وارده بر این جامعه مظلوم بوده است.

قبل از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی تحریکاتی علیه جامعه بهائی انجام گرفت و از جمله چند نفر از نمایندگان مجالس منحلّه شروع به فحاشی و هتاک علیه جامعه بهائی و ایراد اتهاماتی نمودند و سعی نمودند جامعه مظلوم بهائی را به منظور وصول به مقاصد سیاسییه خود وجه‌المصالحه قرار دهند و آن را مرتبط با رژیم سابق قلمداد کنند که این تحریکات منجر به غارت و تاراج اموال و تخریب منازل بهائیان در شهرهای خورموج و نیریز و سروسن و مروشدت و آوارگی آنان شد و بالاخره واقعه روزهای ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ آذرماه ۱۳۵۷ در شیراز اتفاق افتاد که عده‌ای با اسلحه و چوب و چماق و سایر وسائل آتش زار به خانه‌ها و محل‌های کسب بهائیان هجوم بردند و انواع توهین و تهدید و ارباب و ضرب و شتم و قتل نفوس و غارت اموال و حرق و تخریب منازل و حتی قبور گورستان بهائی را روا داشتند و بدین ترتیب صدها میلیون تومان خسارت به افراد بی‌تقصیر این جامعه وارد آوردند. عدم اعتناء به شکایات و تظلمات مکرر بهائیان موجب جرات و جسارت بیشتر ارباب غرض و تعصب گردیده و در ایالات آذربایجان و همدان و گرگان و خراسان و یزد و بعضی بلاد دیگر بیش از هفتصد خانه و محل کسب بهائیان پس از غارت اثاثیه و اموال به کلی ویران و یا به آتش کشیده شد و عده‌ای بی‌گناه مقتول گردیدند.

پس از تاسیس حکومت اسلامی نمایندگان جامعه بهائی ایران مراتب اطاعت و صداقت خود را کتباً و شفاهاً به استحضار مراجع و مصادر امور رساندند و این اطاعت و صداقت را قولاً و عملاً هم اثبات نمودند و امید آن داشتند که در سایه حکومت عدل اسلامی و طبق اشارات اولیاء‌امور مظالم گذشته جبران شود و این اقلیت دینی از آزادی و عدالت و آرامش و امنیت برخوردار شود ولی مع‌الاسف روز به روز فشار و آزار و تهمت‌های وارده بر این جامعه شدیدتر شد. جامعه بهائی علیرغم آنکه از کلیه امکانات لازمه برای دفاع از خود و رفع اتهامات و سوء تفاهات محروم است با انتشار بیانیه‌هایی سعی نمود اتهامات و افتراءات وارده بر این جامعه مظلوم را با کمال صداقت و

قاطعیت رد نماید و اصول معتقدات بهائیان و مقصد و مرام آنان را برای اولیای امور و هموطنان عزیز و صاحبان بصیرت و انصاف توضیح دهد ولیکن تاکنون از طرف مراجع امور توجه کافی به صدق اظهارات این جامعه نشده و تظلمات و مراجعات مکرر بی نتیجه مانده است. در نقاط مختلفه ایران با استفاده از وسایل ارتباط جمعی به توهین و تحقیر مقدسات مذهبی بهائیان پرداخته و با تحریک نفوس انواع مظالم از قبیل تهدید و ارباب و ضرب و شتم و جرح و هجوم و زجر و شکنجه برایشان روا داشته‌اند و اجبار به تبری و ترک عقیده نموده‌اند. در شهرهای مختلف نظیر تبریز و یزد و همدان و شیراز و آباده و طهران و کرج و گنبدکاووس و کرمانشاه و نطنز نفوس بی‌گناه را سلب آزادی نموده بدون تقصیر توقیف و حبس نموده‌اند چهارده نفر از افراد بهائی را که نه نفر ایشان اعضای منتخب محفل روحانی بهائیان ایران بوده اند ربوده و در محلی مخفی محبوس ساخته اند و عده ای از بهائیان را در شهرهای تبریز و یزد و شیراز و طهران و مهاباد محاکمه و به روایتی بعضی را بدون محاکمه و بدون ثبوت تقصیر به جوخه اعدام سپرده‌اند و در میاندوآب بر اثر تحریک و هجوم به منازل بهائیان عده‌ای را به قتل رساندند و موحش‌تر از اینها در نوک بیرجند عده‌ای نقابدار زن و شوهری را پس از ایراد شتم و ضرب آتش زده‌اند و اخیراً در طهران پروفیسوری بهائی را که سالیان متمادی در سمت استادی دانشگاه به خدمت‌گزاری مشغول بود در مطبش ترور نمودند.

صدها نفر از بهائیان را طبق احکام صادره پس از سالها خدمت صادقانه و بر خلاف موازین اخلاقی و انسانی و بر خلاف مقررات استخدامی حاکم و بدون در نظر گرفتن هیچگونه حقوقی از کار برکنار نموده و به حقوق مکتسبه آنان توجهی نکرده‌اند.

در نقاط مختلفه افرادی مسلح به دفاتر و موسسات و مراکز اجتماع این جامعه هجوم آورده و کلیه اوراق و اسناد آرشیو و کتب و نشریات مخصوص این اقلیت دینی را بدون انجام تشریفات لازمه قانونی و ارائه حکمی از مراجع صالحه با خود برده‌اند.

اماکن مقدسه متبرکه و تاریخیه بهائی و املاک و مستملکات و موقوفات متعلق به این جامعه را که جنبه غیرانتفاعی و خدمتی داشته و در سایر ممالک عالم حتی از پرداخت مالیات و عوارض معاف می‌باشد بدون مجوز قانونی منهدم و یا توقیف و یا مصادره نموده‌اند و حتی به تصرف گورستان‌های بهائی و تخریب معابر و نبش قبور اقدام نموده و از دفن اموات بهائی نیز در بعضی نقاط جلوگیری کرده‌اند.

منازل و اموال و احشام و محصولات زراعتی متعلق به هزاران نفر بهائیان را در بسیاری از نقاط ایران مورد هجوم و غارت و طعمه حریق قرار داده‌اند و در بعضی نقاط به تصرف و تملک آن اقدام کرده‌اند.

در بعضی از دهات و شهرها بهائیان را به ترک محل اقامت و ادار ساخته و زندگی ایشان را پریشان و بی‌سامان نموده‌اند تنها در یک نقطه از نواحی بویر احمد به نام کتا حدود دو هزار نفر از بهائیان مظلوم را از مسکن خود به مدت چندین ماه اخراج نموده و اموال ایشان را به غارت و یغما برده‌اند.

و بالاخره به هرگونه سلب حقوق و آزادی از افراد این جامعه اقدام و آسایش و راحت و امنیت را از ایشان دریغ داشته‌اند و جمعی از این مظلومان را به مشهد فدا فرستاده‌اند.

مستدعیات جامعه بهائی

انتظار و تقاضای جامعه بهائیان ایران به عنوان بزرگترین اقلیت دینی ساکن در این مملکت از اولیای امور آنست که با توجه به عدالت و نصفت اسلامی که به حکم آیات مبارکه:

"ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت و اعدلوا هو اقرب للتقوی"

و "کونوا قوامین بالقسط"

تحقق می‌پذیرد و با عنایت به اصول مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که مفهوم عدالت و آزادی را مستلزم رعایت حقوق و حیثیت انسانی افراد می‌شمارد. از وارد ساختن هرگونه ظلم و ستم و فشار و تهدید علیه این اقلیت مظلوم و بی‌دفاع جلوگیری شده و جان و مال و عرض و ناموس آنان مصون از تعرض باشد و زندانیان بی‌گناه بهائی آزاد و ربوده شدگان مستخلص گردند و از اموال متصرفه متعلق به این جامعه رفع تصرف و خلع ید گردد و از مقتولین و محبوسین بی‌گناه بهائی اعاده حیثیت شود و از ایراد تهمت‌ها و نسبت‌های ناروا و بر

خلاف واقع و تحریک و تخدیش اذهان عمومی علیه این جامعه ممانعت به عمل آید و در اصول متمم قانون اساسی که طبق اشاره اولیاء امور کشور در فرصت مقتضی تنظیم و تدوین خواهد گردید و سایر مقررات به آزادیهای شناخته شده و حقوق حقه و انسانی این جامعه نیز همچون سایر اقلیت‌های مذهبی تصریح گردد و حقوق و آزادی و امنیت آنان در انجام فرائض مذهبی و داشتن اجتماعات دینی و روحانی و اجرای مراسم ازدواج و طلاق و سایر حقوق فردی و اجتماعی تامین و تضمین گردد و رویه منع و اخراج بهائیان در استخدام که از اتباع صدیق و خدمتگزار و علاقمند به این سرزمین مقدس هستند ملغی و متروک گردد و مستدعیات و تظلمات آنان به سمع قبول اصغاء و مورد توجه و عنایت اولیاء محترم امور قرار گیرد باشد که بهائیان نیز چون سایر هموطنان با امکانات بیشتر و با کمال صداقت و امانت و امید در عمران و آبادانی و پیشرفت و اعتلاء این کشور مقدس که آرزوی قلبی آنان است بیش از پیش سعی و کوشا باشند.

جامعه بهائیان ایران

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]